

در طی تاریخ ، ذهن پویا و دوراندیش آدمی ، برای شمارش روزها و نگهداشت حساب روزها ، ظرائف ویژه ای بکار گرفته است تا بسهولت تقدم و تاخر روزها و حساب هفته ها و ماهها را در ذهن نگهدارد . از چرخش آفتاب و ماه گرفته تا طالع انسان که بر گردش ستارگان وابسته میدانستند ، جملگی به زیبا و جبهی در تقویم مخصوصی از سوی باریک انیشتان درج گشته و پشت بند اسامی ویژه روزها و ماهها ، افسانه های پر معنا استوار بوده است .

هر ملتی در قلمرو مغرب زمین ، به سوابق فرهنگی بهره ای در تقویم داشته و افسانه های مربوط به اسامی روزها و حساب ایام و ... افزوده اند در نظر این مردم ، روزهای هفته نام از خورشید و ماه یا خدایان جبار و الهه های نکو منظر گرفته اند .

آنچه در زیر میاوریم نگاهی گذراست به افسانه های مربوط به عناوین روزهای هفته و سپس نام ماهها در فرهنگ ملل مغرب زمین:

الف - اسامی هفت روز هفته:

1-یکشنبه Sunday=

2-دوشنبه Monday=

3-سه شنبه Tuesday =

4-چهارشنبه Wednesday =

5-پنجشنبه Thursday=

6-جمعه Friday =

7-شنبه Saturday =

1-Sunday

در روزگار قدیم ، مردم نظاره گر گوی منور طلایی رنگی در آسمان بوده اند که گویی خدایی این گوی پر نور را حرکت در میآورد و در ارابه ای اطراق کرده بود که چرخهای این ارابه در هر چرخش از خود نور روسنایی بیرون میرختند . اپولون (APOLLO) خدای روشنگری و ایزد خورشید نام گرفته بود . به افتخار او ، سر آغاز هفته بنام خورشید (Sol) خواندند و آتروز را به لاتین Solis days یعنی روز خورشید نامیدند . سپس این لفظ به Sunnandaey که به انگلیسی همان روز خورشید است نامیده گشت و بتدریج به Sunday مبدل شد .

در موزه های مغرب زمین ، بخصوص دانمارک ، در غرفه ای خاص گردونه ای را می توان دید که اسب تند پای بلند یالی این گردونه منور خورشید را بر پشت میکشد .

2-Monday

مردم جنوب اروپا نیز به گوی نقره‌های رنگی در آسمان چشم میدوختند که شبها نور افشانی میکرد به زبان لاتین این کره پر نور (Luna ماه) نامیده شد ، نظاره گران این گوی منور ، روز دیگری از هفته را بنام این کره موسوم نمودند.

این روز به لاتین Lunadies خوانده شد که بعد ها ساکنان شمالی قاره اروپا به Mona (لفظی که آنها در برابر Luma برای Moon ماه ادا مینمودند) سرسپاری پیدا کردند و بعد از روز خورشید را Monanday یعنی روز ماه نامیدند . از این لفظ کلمه انگلیسی Monday بجای ماند.

3-Tuesday

سومین روز هفته در شمارش روزها ی غربی بنام Tiw معروف است . خدای جنگ اقوام لاتین زبان بود او حامی جنگاورانی محسوب میشد که او را می پرستیدند . دلسپردگان Tiw باور داشتند که وقتی جنگجوی غیوری در رزمگاه به قتل میرسد Tiw از مامن خود در کوهستان پایین میامد و بهمراه حوریان ، جنگجوی خسته را از میدان جنگ به سرزمین امن و امان و زیبا منظری می برد Tiw . نام خود را یه سومین روز هفته داد و اینروز به Tiwasday موسوم گشت که در زبان انگلیسی به Tuesday مقلب شد.

4- Wednesday

ساکنان شمالی قاره اروپا ، خدایان متعددی را میپرستیدند . در نظر آنها خدای بنام Woden از سایر خدایان برتر بود و صاحب منصب اریکه خدای خدایان محسوب میگشت . Woden خدای تشنه دانستنی و آگاهی بود . حتی او در ازای کسب معرفت ، یک چشم خود را در گرو خدای دانش نهاده بود . بهمین خاطر در نگارش تصویر این خدا او را همواره با کلاه لبه داری مجسم میکردند که جلو چشم نابینا و به گرو رفته او را میگرفت . دو پرنده سیاهرنگ (شاید کلاغ) بر دوش او می نشستند و به جاسوسی وکسب خبر از قلمرو علم برای این خدا می پرداختند . شبانگاهان این پرندگان به زمین می آمدند و تا سپیده دم اخبار را گردآوری می نمودند و هنگام پگاه به پیشگاه Woden بر میگشتند . همین است که woden به کل اخبار جهان آگاه بود.

به افتخار این خدا روزی از روزهای هفته (چهارمین روز هفته) بنام او موسوم گشت و Wednesday نام یافت که کم کم در زبان انگلیسی به Wednesday شهره گشت.

5- Thursday

مردم روزگاران گذشته مغرب زمین ، رعد و برق و عوارض ناشی از این پدیده‌های طبیعی را نمی شناختند. در پرده خیال آنها Thur ، خدای تندر بود که بر ارابه ای که دو بز چموش تند پای آنها میکشیدند سوار میگشت . آنها باور داشتند که وقتی Thur احساس گرسنگی میکند ، از گردونه خویش چکشی عظیم در آسمانها رها میسازد که نور خیره کننده ای از این چکش ساطع میشود و صدای چرخ ارابه او در آسمان می پیچد.

رعد و برق ناشی از این حرکت **Thur** پنداشته میشد . بنام پنجمین روز هفته را **Thursdaey** نامیدند که به انگلیسی **Thursday** خوانده شد.

6-Friday

مردم شمال اروپا به الهه زیبایی معتقد بودند که او **Frigg** میخواندند ، وظیفه او حمل جنگاوران کشته شده در میدان جنگ و رساندن آنها به باغ زیبایی خیالی بود که بدستان معجزه گر او جنگاوران ، در آن باغ حیات مجدد می یافتند و به زندگانی جاوید میرسیدند . در اپرای تنظیم شده توسط ریشارد واکز می بینیم که **Figg** سپر و نیزه ای بردست گرفته و جنگجویی خسته را بر سینه میفشارد . در نزد ملل مغرب زمین ، ششمین روز هفته به **Frigedaey** ملقب گشت.

الهه ای که بر ارا به ای جای خوش کرده و نیزه بر دست بر کرده دو سگ تیز پوزه که گردونه او را میکشد ، شلاق می کوبد و در قلمرو آسمان به چرخش و جولان در می آید . انگلیسی **Friday** را از آن الهه **Frigg** دانستند.

7-Saturday

Saturn در قلمرو اسطوره رومی ها به خدای کشتزار محسوب میشد . به رغم رومی ها ساتورن کنترل را بعده داشت و ریزش باران به همت او وابسته بود . رومی ها قبل از بذر افشانی به درگاه **Satrun** قربانی می دادند و از او امداد می خواستند به افتخار این خدا روز شنبه اروپائی ها **Saturnidies** خوانده شد که در انگلیسی به **Saturday** موسوم شد.

1-ژانویه = January

قرنها پیش ، ملل مغرب زمین حساب ماههای سال را به ده رسانده بودن . یکی از امپراطوران رم تصمیم گرفت که دو ماه دیگر به ماههای دهگانه سال بیافزاید . در آن زمان مردم به خدائی معتقد بودند که **Janus** خوانده میشد . جانوس صاحب دو چهره بود . یک چهره او آینده را می نگریست و چهره دیگرش بر گذشته نظاره میکرد . جانوس نگهبان منازل بشمار می رفت تصویر وی را بر روی در خانه ها نمایش میدادند که رومی به درون خانه و رومی دیگر به بیرون داشت . چنین تصویری از چنان خدائی به نظر مناسب آمد که با اسم ماهی از ماههای سال منطبق شود.

ماهی که از یکسو آنچه رفته است بنگرد و حساب ایام گذشته و فهرست بروز وقایع در ماههای قبل را داشته باشد و از جانب دیگر به آینده نگاه کند که چه روی خواهد داد و حساب حوادث آتی را نگهدارد . این ماه **Januaries** خوانده شد که به انگلیسی **January** نامیده شد.

2-فوریه = February

پس از نامگذاری یازدهمین ماه سال ، امپراطور مذکور و مردم سرزمین رم اندیشیدند که نامی بر ماه دیگری بیابند که دوازده ماه سال تکمیل شود . آن روزگار تقویم رومیها آغاز سال را به **March** اختصاص داده بود.

دو ماه جدید (ژانویه و فوریه) به انتهای سال افزوده شد.

رومیاها همواره از پلیدی پرهیز داشتند و همیشه به فکر پاک کردن خویشتن و گردگیری منازل خود می افتادند و مخصوص قبل از ماه March که در آن زمان نخستین ماه سال و میمون و فرخنده بود ، در فکر نظافت و پاکیزگی اطراق گاههای خود بودند پاکیزگی و پاک ساختن در زبان لاتین Februum خوانده می شد.

بنابراین ماه قبل از March را Februarius گفتند که در انگلیسی به February موسوم شد.

ژولیوس سزار امپراطور رم بعدها دو اسم ژانویه و فوریه را آخر سال به ابتدای سال غربی انتقال داد و حساب ماهها در تقویم مغرب زمین بر این اساس استوار گشت . بدین ترتیب سال مغرب زمین با ژانویه آغاز شد.

= 3مارس Mars =

رومیاها قدیم خدای جنگ خود را ، Mars میخواندند و نام یکی از ماههای خود را به افتخار او Martius نامیدند که به انگلیسی Mars گفته می شد.

مارس در تصاویر ، سوار بر اسب بر شیپور جنگ میدمد . در حالیکه در تصویر دیگری ، سپری بدست و شمشیری بر دست دیگر ، سوار تخت روانی است که اسبان غول پیگر گردونه او را حمل میکنند.

= 4اوریل April =

در نظر ملل مغرب زمین ، ماه چهارم از سال ، ماهی بود که گویی در اینوقت زمین شکافته میشد تا ساقه های نوری از دل خاک بیرون بیاید و شکوفه ها بر شاخهها بنشینند . کلمه لاتین شکافته شدن سینه زمین معادل Aperio بود که ماه چهارم بدین مناسبت Apriles خوانده شد و به انگلیسی April مرسوم شد.

= 5می May =

الهه بهار و روشنی ها در پندار مردم رم ، Maia نام داشت . او حافظ سبزه زارها بود و گیاهان را در ریشه حمایت می کرد به اسم او ماه پنجماز سال ، Mauis گفته شد که به انگلیسی May عنوان گرفت.

= 6جولای July =

اندکی از مرگ امپراطور رم ژولیوس سزار نگذشته بود که سنای رم بیاد خدمات او ، ماهی از ماههای سال را در تقویم رومی به Julius موسوم ساخت که July در انگلیسی معادل این نام است.

-7 آگوست = Agust

چند سال بعد از مرگ سزار ، آگوست امپراطور دیگر روم به سلطنت رسید . او در شهرت طلبی دست کمی

از سزار نداشت پس نامی دیگر از ماههای سال بنام او ملقب گشت

چهار ماه دیگر بشرح زیر مرسوم شد .

(سپتامبر) 9-september-

(اکتبر) 10-October-

(نوابر) 11-November-

(دسامبر) 12-December-

=====

ایرانیان ، در گاه شماری خود ، پس از ماه ، بلافاصله روز را بحساب می آوردند و واحدی بین این دو نداشتند ، اما پس از اسلام ، بمناسبت آن که مسلمانان موظف بادای نماز جماعت ، در روزهای جمعه بودند ، کم کم روزهای هفته بصورت فعلی در بین مردمان رایج شد .

و اگر چه هفته و روزهای هفته پس از اسلام در ایران رایج شد ، اما گمان میرود که از دوران های قبل بر اثر روابطی که ایرانیان با مسیحیان و کلیمیان داشتند ، کم کم با این نوع گاه شماری آشنا شده بودند ، برابر با قواعد زبان خود نامهایی برای روزهای هفته انتخاب کرده بودند .

ایرانیان (شباط) یهودیان را به زبان خود برگرداندند و آنرا مبدل به شنبه کردند و روزهای پس از آن را یکایک شمردند ، بدون آنکه از نامهای اصلی متابعت کنند ، در نظم و نثر دوره اول ، اکثرا شنبه و یکشنبه و غیره به کار رفته است .

روز جمعه را آدینه نهادند ، که کردان به آن هی نو میگویند . اما در سرتاسر شاهنامه فقط یکبار بجای نام روزه ، (چهارشنبه) آمده است و آنهم در سرگذشت سردار شهید ایران ، بهرام جوینده است ، اما چرا چهارشنبه آمده ، شاید علت آن وجود منعم غیر ایرانی است که چنین دستوری به او داده است یا آنکه در ترجمه متن از پهلوی این نام بعلت آنکه در نزد اعراب منعوس بوده ، بزور که بهرام چوبین را دچار کرده داده شده .

ستاره شمر گفت بهرام را که در چهارشنبه گام را
و گر زین بیچی گزند آیدت همه کار ناسودمند آیدت

و نیز يك بار در نامه اي كه قيصر روم به خسرو پرويز مي نويسد ، از بزرگداشت روز
يكشنبه بوسيله مسيحيان نام برده ميشود.

همين روزه پاك يكشنبه اي زهر در ، پرستيدن ايزدي

در پاسخ اين نامه نيز خسرو پرويز پس از جوابهاي لازم در مورد تقدیس يكشنبه مي گوید :

اگر هر چه گفتي و پاكيزه دين ز يكشنبه روزه و آخرين

همه خواند بر مايكايك دبیر سخنهاي شايسته دلپذير

و غير اين دو مورد ، در سراسر شاهنامه از روزهاي هفته نام برده نشده است ، تمام
شاعران دوره اول نيز تاريخ را با نام روزهاي ايراني مي شمرند.

سه روز و هفت روز:

اما عددسه و هفت از قدیم ، در نزد ایرانیان محترم و عزیز و مقدس بوده است .در بخش امشاسپندان نیز گفته شد آنانرا در انجمن همراه با اهورا مزدا آوردند که تعدادشان هفت گردد و نیز در آئین مهر پرستان ، درجات مذهبی ، هفت بوده است.

یا اینکه اندیشه نیک ، گفتار نیک ، کردار نیک خود نمونه ای از احترام به عدد سه است.

و به همین دلیل ایرانیان در دوره های باستان جشن یا سور و میهمانی و حتی عزا را هفت روز میگرفتند و اگر زمان اجازه نمیداد در سه روز برگزار می کردند.

مثالهایی از شاهنامه:

در مرگ سیاوش:

به يك هفته بادردوباسوگ وخشم بدرگاه شست با آب چشم

سرشتم نبرد، ناي و روئینه کوس بیامد بدرگاه ، گودرز و توس

در خواست سه روز میهمانی رستم از اسفندیار در گفتار رستم و زال :

چو میهمان من بوده باشد سه روز چهارم چو بفروخت گیتی فروز

میندازد آن چادر لاجورد پدید آید آن جام یاقوت زرد

بیندم کمر ، پیش او بنده وار نجویم جدائی اسفندیار

منابع :

تجلی دوازده ماه در آینده اساطیر و فرهنگ عامه ایران -دکتر جابر عناصری

زروان سنجش زمان در ایران باستان - فریدون جنیدی

=====

اگر نام روز با نام ماه یکی میشد آن روز را جشن می گرفتند
مانند بهمن روز از ماه بهمن یعنی دومین روز از ماه بهمن را جشن می گرفتند

اما از همه جشنها مهمتر فروردین گاه و مهرگان بود

اسامی روزها:

روز اول : اورمزد روز / روز دوم : بهمن روز / روز سوم : اردی بهشت روز / روز چهارم : شهریور روز_شهریورگان / روز پنجم : سپندار_اسفندگان / روز ششم : خرداد روز_خردادگان / روز هفتم : امرداد روز_امردادگان / روز هشتم : دیباروز / روز نهم : آذرروز_آذرگان / روز دهم : آبان روز_آبان گان / روز یازدهم : خورروز / روز دوازدهم : ماه روز / روز سیزدهم : تیرروز_تیرگان / روز چهاردهم : گوش روز / روز پانزدهم : دیباروز / روز شانزدهم : مهرروز_جشن مهرگان / روز هفدهم : روشن روز / روز هیجدهم : روشن روز / روز نوزدهم : فروردین روز / روز بیستم : بهرام روز / روز بیست و یکم : رام روز / روز بیست و دوم : بادروز / روز بیست و سوم : دیب دین روز / روز بیست و چهارم : دین روز_یگان / روز بیست و پنجم : اردروز / روز بیست و ششم : اشتادروز / روز بیست و هفتم : آسمان روز / روز بیست و هشتم : دامپاد روز / روز بیست و نهم : باراسپندروز / روز سی ام : امیزان روز
اسامی ماه های اوستایی، همانند ماه های فصلی نامیده شده بود که عبارت بودند از :

1- فروردین / به نام فره وشی

2- اردی بهشت / راستی و عدالت، نظم الهی

3- خرداد / (هاروت) قانون همه درست

4- تیر / فرشته و نماینده باران

5- امرداد / فرشته و نماینده جاویدان یا «ماروت» و مظهر پاک زوال ناپذیر اهورامزدا

6- شهریور / کشور برگزیده آسمانی

7- مهر یا میترا / فروغ خورشید، پیمان، دوستی

8- آبان / منسوب به فرشته نگهبان آب

9- آذر / ماه نیایش آتش

10- دی / ماه دین، نام ماه خدا آفریدگار

11- بهمن / منش پاک یا بهترین منش

12- اسفند / فروتنی پاک